

## دستاوردهای عدالت و معنویت در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

سید کاظم سید باقری<sup>۱</sup>

محمود مختار بند<sup>۲</sup>

### چکیده

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بستری برای حرکت در مسیر عدالت و معنویت توأم با عقلانیت است. در نگرشی جامع، این الگو برگرفته از دین اسلام و قرآن کریم می‌باشد. این نوشته در جستجوی رابطه میان عدالت و معنویت و دستاوردهای آن در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است و بر این فرضیه تاکید می‌شود که با رابطه تعاملی و تاثیرگذار عدالت و معنویت، در عرصه فردی، زمینه برای ریزش دستاوردهای فردی به عرصه سیاسی - اجتماعی فراهم شده و مسیر را برای رسیدن به الگوی پیشرفت و سپس حیات طیبه فراهم می‌کند، همه این مراحل با عقلانیت و برنامه‌ریزی عقلی و التزام به آموزه‌های شریعت انجام می‌شود. حضور این عناصر، در این الگو، حکایت از پیشرفتی متفاوت و همه‌سو نگرانه داشته و روشی دیگرگون برای پویایی جامعه اسلامی ترسیم می‌کند. توجه به این ابعاد است که دستیابی شهروندان به حقوق، آزادی‌ها، فرصت‌های برابر، توسعه و رفاه اقتصادی، کرامت نفس، منزلت و امنیت اجتماعی را برای جامعه، فراهم خواهد کرد.

واژه‌های کلیدی: الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، عدالت اجتماعی، معنویت، عقلانیت، حیات طیبه

### مقدمه

الگوهای پیشرفت امروزه یکی از مباحث قابل توجه و پرچالش هستند و غالباً مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرند تا مولفه‌ها و شاخصه‌های آنها شناخته گردد. مکاتب در تکاپویند تا الگو و نمونه پیشرفت خود را برتر و مطلوب معرفی کنند. الگوی اسلامی پیشرفت با خود مولفه‌ها و زیرساخت‌هایی عالی و برتر دارد که التزام عملی به آنها هم الگوی برخاسته از آنها را متفاوت می‌سازد و هم جامعه بر ساخته آن را رو به رشد و آگاهی راهبری می‌کند. دو عنصر بنیادین این الگو را باید در عدالت و معنویت رصد کرد. رشدی که در آن عدالت نباشد، به واقع پیشرفت نیست و توسعه‌ای که معنویت را ندارد، از اصالت، تهی می‌گردد، اما اگر شاخص‌های عدالت اجتماعی به همراه معنویت باشد، عدالتی است که حقوق شهروندان به شایستگی ادا می‌کند و در همان حال، از ایمان و التزام به دستورهای الهی نیز دور نمی‌شود، لذا می‌توان گفت، با حضور این دو عنصر در جامعه، می‌توان از پیشرفت همه‌جانبه سخن به میان آورد، همان که قرآن کریم از آن به حیات طیبه تعبیر می‌کند و زندگی به معنی واقعی کلمه است. هر چند برای همیاری این دو عنصر و گام نهادن در جهت الگوی پیشرفت، باید به عقلانیت و دستاوردهای آن التزام داشت.

۱. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، sbaqeri86@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، mhm92@chmail.ir

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

با معنویت، انسان به عالم غیب و قدرت خداوندی ایمان می‌آورد و به دستورهای او نیز گردن می‌نهد و انسان با معنویت می‌داند که یکی از دستورهای مهم و همیشگی خداوند، رعایت عدالت و تقوا است، لذا نمی‌توان معنوی بود، به خدا و ارزشهای الهی باور داشت اما خارج از دایره عدالت رفتار کرد. کسی که به خداوند و نیروی غیبی ایمان آورد، التزام به آموزه‌های برآمده از آن، می‌تواند او را به جاده عدالت بکشد. کارگزار و قانونگذاری که به این امر، باور داشته باشد، عادلانه رفتار می‌کند و زمینه حضور این ارزش در جامعه فراهم می‌شود. بنا به تعریف و در عرصه عقل نظری توجه به معنویت و سعی در ارتباط با روح عالم هستی رویکردی عادلانه بوده و لذا معنویت ذیل عدالت تعریف می‌شود. توجه به این امر مهم است که عدالت غالباً به معنای اعطای حقوق به صاحبان آن تعریف شده است و یکی از حقوق مسلم انسان در شریعت اسلام نیز توجه به بعد روحانی و داشتن حیات معنوی در جهان است. اما در ساحت عمل و حرکت اجتماعی معنویت، عدالت‌ورزی را نیز به همراه دارد. بنابراین یکی از لوازم حضور معنویت در اجتماع، عدالت‌ورزی در عرصه فردی و اجتماعی است.

علامه طباطبایی می‌نویسد «کسی که در حیات معنوی و سیر و سلوک عرفانی و مطالعات کافی داشته و مقاصد حقیقی این رشته از علوم را دریافته باشد، به خوبی درک می‌کند که روش این سیر باطنی و حیات معنوی، روی این اساس استوار است که کمالات باطنی و مقامات معنوی انسان، یک رشته واقعیت‌های حقیقی بیرون از واقعیت طبیعت است و عالم باطن که موطن معنوی است، جهانی است بسی اصیل‌تر و واقعیت‌دارتر و پهناتر از جهان ماده و حس مقامات معنوی واقعیت‌ها و موقعیت‌های حیاتی اصیلی هستند، برای انسان و هرگز از قبیل مفاهیم تشریفی و مقامات و مناصب و عناوین وضعی و قراردادی اجتماعی نیستند. (طباطبائی، ۱۳۷۸، ص ۶۳)

با توجه به این امور، این نوشته در جستجوی رابطه میان عدالت و معنویت و دستاوردهای آن در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است و بر این فرضیه تاکید کرده است که با ترابط تاثیرگذار عدالت و معنویت بر یکدیگر در عرصه فردی، بستر برای ریزش دستاوردهای فردی به عرصه سیاسی-اجتماعی فراهم شده و مسیر را برای رسیدن به الگوی پیشرفت و سپس حیات طیبیه فراهم می‌کند، همه این مراحل با عقلانیت و برنامه‌ریزی عقلی و التزام به آموزه‌های شریعت انجام می‌شود.

### ۱. بیان مفاهیم

در مفهوم عدالت، حکم به حق، تصریح شده است: العدل، الحکم بالحق. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲ ص ۳۸) آن گونه که میان‌روی و دوری از افراط و تفریط نیز ذکر شده است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸ ص ۵۶) عدالت اجتماعی<sup>۴</sup>، مفهومی عام و فراگیر است که در بردارنده جلوه‌های متعدد اجتماع اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی نیز می‌شود.

۳. هو توسط بین الإفراط و التفریط بحيث لا تكون فيه زيادة و لا نقصاً، و هو الاعتدال و التقسط الحقیقی. سیدحسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۸، ص ۵۶

۴. در این نوشته، هر جا که «عدالت» به کار می‌رود، منظور «عدالت اجتماعی» است، مگر از موقعیت جمله چیزی دیگر، فهمیده شود یا به غیر آن تصریح شود.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوزم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

گاهی از آن، به عدالت توزیعی<sup>۵</sup> تعبیر می‌شود که پخش و توزیع منصفانه مواهب و منافع و وظایف در میان مردم را مد نظر دارد و مهم‌ترین ویژگی آن رعایت انصاف در سهم‌بری و برخورداری افراد است. (واعظی، ۱۳۸۸، ص ۵۵-۵۷) لذا گفته می‌شود که در عدالت توزیعی یا عدالت اجتماعی، بیشترین توجه بر چگونگی توزیع منابع کمیاب جامعه یا در واقع تناسب میان داده‌های<sup>۶</sup> افراد و ستانده‌ها<sup>۷</sup> معطوف می‌شود. (پاشایی، ۱۳۶۹، ص ۵۴۲) در این نوشته، عدالت اجتماعی، ارزشی است که با فراگیر شدن آن، جامعه، دارای زمینه‌هایی می‌گردد که افراد به حق خود می‌رسند و امور جامعه، به تناسب و تعادل در جای بایسته خویش، قرار می‌گیرد.

برخی معنویت را به «زندگی معنوی و پیامدهای آن تعریف می‌کنند و به معنای داشتن نگرشی به عالم و آدم است که به انسان آرامش، شادی و امید بدهد». (ملکیان، ۱۳۸۰، ص ۳۷۶) امام خمینی معتقد است: «معنویت مجموعه صفات و اعمالی است که شور و جاذبه قوی و شدید و در عین حال منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم به طور اعجاب آوری پیش ببرد». (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۸) معنویت به معنی توجه به معنا و باطن امور و ایمان به غیب است و در مقابل توجه صرف به ظاهر و مادیت قرار دارد. این معنویت در اسلام، گسسته از وحی نیست، آن سان که محدود به حوزه فردی نیز نیست، بلکه معنویت در همه ابعاد و ساحت‌های زندگی اعم از سیاسی و اجتماعی حضوری همیشگی دارد. در غالب مکاتب دیگر از جمله در دنیای امروزی غرب، غالباً معنویت را امری فردی و محدود در نظر می‌گیرند. بر اساس معارف اسلام توجه انسان به عرصه معنوی به همراه توجه به زندگی مادی و رفع نیازهای اقتصادی و معیشتی در کنار یکدیگر دیده شده و مسیر حیات و کمال معنوی انسانی به وسیله و از راه حضور در جامعه و تکامل اجتماعی و در تعامل با سایر انسان‌ها تعریف شده است. لذا در روایت آمده است که «الْمُؤْمِنُ مُؤَلَّفٌ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُؤْلَفُ»<sup>۸</sup> (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۷۲) مؤمن با دیگران انس می‌گیرد و دیگران نیز با او الفت دارند و کسی که نه با دیگران انس دارد و نه با او الفت گرفته می‌شود، در او خیری نیست.

توسعه فرآیندی پیچیده است که طی آن جامعه از یک دوران تاریخی به دوران جدیدی منتقل می‌شود. این فرآیند در هر مرحله از جریان انتقالی خویش، ابعاد مختلف زندگی را متحول می‌سازد. (آندره گوندر، ۱۳۸۲، ص ۳۷۸) پیشرفت در معنی جامع، به همراه خود «تکامل» نیز می‌آورد، در مفهوم کمال، ارتقاء و تعالی، مندرج است و توسعه غیر از تکامل است. یک شهر ممکن است توسعه یابد، خانه‌ها و خیابان‌هایش افزایش یابد ولی تکامل نیابد، لذا هر تکاملی، پیشرفت هست، اما هر پیشرفتی تکامل نیست. برای این که در مفهوم تکامل، تعالی خوابیده است، بر خلاف مفهوم پیشرفت که برای گسترش افقی هم صادق است. (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۴ ص ۳۷۸)

### 5. Distributive Justice.

#### 6. inputs

#### 7. outputs

۸. در روایت دیگر آمده است: «من فارق جماعة المسلمين فقد خلع ربة الاسلام من عنقه، قيل: يا رسول الله و ما جماعة المسلمين؟ قال: جماعة اهل الحق و ان قلوبا» رک: مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۳۶۳ ح ۹۲۰۹ عن أبي هريرة و ج ۸ ص ۴۲۵ ح ۲۲۹۰۳. تاریخ بغداد: ج ۱۱ ص ۳۷۶ الرقم ۶۲۳۳ شبیه این روایت از امام صادق (ع) و امام علی (ع) به سند جابر نیز نقل شده است، الکافی: ج ۲ ص ۱۰۲ ح ۱۷ یا رک. بحار الأنوار: ج ۷۱ ص ۳۸۱ ح ۱۵ و امالی شیخ صدوق، ص ۲۷۲.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

به معنای عام، در پیشرفت، نوعی پویایی وجود دارد که از وضع موجود به سمت وضعیت مطلوب در حرکت است، اما پیشرفت در الگوی اسلامی-ایرانی، فراگردی است که دربردارنده پویایی بهبودیابنده همیشگی در همه حوزه‌های مادی و معنوی زندگی انسانی بوده و با بهبود شرایط زندگی در ساحت‌های مختلف، بستر برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی فراهم می‌شود، در این فرایند، نوعی مدیریت آگاهانه باید وجود داشته باشد.

### ۲. انسان، فضیلت / معنویت خواه

در وجود انسان، عقل و نفس، فطرت و غریزه در کنار هم و با همدیگر، قوانینی تشریحی و دستورات اخلاقی اسلام ناظر به هر دو بعد مادی و معنوی انسانی بوده و محدودیت‌های تشریحی اسلام در راستای تقویت حیات معنوی و رشد و تعالی الهی او تعریف شده‌اند. از این روست که انسان نمی‌تواند در هر دو ساحت وجودی خویش، کاملاً آزاد باشد، رهایی و آزادی در هر یک از آن دو گستره پست و عالی آدمی، منجر به محدودیت در بخش دیگر می‌شود اما نکته اساسی آن است که آزادی در ساحت عالی و خردورزانه آدمی، او را به آزادی متعالی نزدیک می‌سازد و محدودیت‌های ایجاد شده توسط قوانین اسلامی نه تنها به آزادی آدمی خدش‌های وارد نمی‌کند بلکه او را وارد عرصه آزادی بیشتر می‌سازد. معقول بودن یا نبودن آزادی مربوط به بهره‌برداری از آن است که اگر مطابق اصول و قوانین مفید انسانی باشد، آزادی معقول نامیده می‌شود و اگر بر ضد اصول و قوانین مفید انسانی باشد، نامعقول است. (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۳۶۴) آزادی او در کنار معنویت و عدالت، محدود و مقید و در عین حال معقول و تعالی‌جو می‌شود و در کنار آنها، به سوی فضیلت گام برمی‌دارد.

از دیگر سو، همین انسان اگر خواسته‌های قدرت طلبانه خود را مهار زند، می‌تواند به معنویت، فضائل انسانی و عالی اخلاقی برسد و به جایگاه بلند جانشینی خداوند برسد. (بقره، ۳۰) خداوند می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ» (حجرات، ۱۳) با کرامت‌ترین شما در پیشگاه خدا با تقواترین شماس است. بر این اساس، داشتن تقوای متوسط نیز میانه راه است و کمال آدمی، نیازمند نیل به درجه بالای پرهیزکاری. لذا انسان، نه مانند فرشته از فرا طبیعت، تنها سهم دارد و نه همتای گیاهان و حیوانات، فقط درگیر محدوده طبیعت است. بلکه از خاک و گل، آغاز می‌شود و تا اوج «إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق، ۱۰)، پُرآن و قربان می‌شود که در شأن چنین موجودی آیه «أَفْرِينَ بَادِ بِرِ خَدَا كَهْ بَهْتَرِينَ أَفْرِينَ بَادِ بَرِ خَدَا كَهْ» (مومنون، ۱۴)<sup>۹</sup> نازل شده و هموست که طبیعت و ماورای آن را در خود، گرد آورده و دو سرخط حلقه هستی را به یکدیگر وصل کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۴ ص ۸۳ و ۸۴) با توجه به همین ویژگی آدمی است که علی (ع) می‌فرماید: به راستی که خداوند، در فرشتگان، عقل بدون شهوت و در حیوانات، شهوت، بدون عقل را نهاده است؛ اما در وجود آدمی هر دو نیروی عقل و شهوت را قرار داده است؛ پس کسی که عقل

۹. مومنون، ۱۴: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی شرف؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

او بر شهوت و خواسته‌های نفسانی‌اش، پیروز گردد، از فرشتگان برتر است و از کسی شهوتش بر عقل او غالب آید، از حیوانات، پست‌تر و بدتر. (مجلسی، ۱۴۲۱ق، ج ۵۷ ص ۲۹۹)<sup>۱۰</sup>

از دیگر سو، انسان به دنبال آرامش است و در مکتب اسلام، این آرامش در قالب معنویت، ایمان به غیب و توکل به خداوند به دست می‌آید. معنویت که صرفاً فردی نبوده بلکه همه عرصه‌های سیاسی-اجتماعی زندگی انسان را دربرمی‌گیرد، به تعبیر امام خمینی: «مکتب اسلام، یک مکتب مادی نیست؛ یک مکتب مادی-معنوی است. مادیت را در پناه معنویت، قبول دارد. معنویات، اخلاق، تهذیب نفس. اسلام برای تهذیب انسان آمده است؛ برای انسان‌سازی آمده است. همه مکتب‌های توحیدی برای انسان‌سازی آمده‌اند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷ ص ۵۳۱) لذا اسلام، انقلابی سیاسی-معنوی است، شهید مطهری می‌نویسد: «می‌دانیم که اسلام یک معنویت محض، آن گونه که غربی‌ها درباره مذهب تصور دارند نیست، انقلاب صدر اسلام که یک انقلاب اسلامی و مذهبی بود در همان حال که انقلاب معنوی بود، انقلاب سیاسی بود، در همان حال که انقلاب معنوی و سیاسی بود؛ انقلاب مادی و اقتصادی هم بود؛ یعنی حریت، آزادگی، عدالت، نبودن تبعیض‌های اجتماعی و شکاف‌های طبقاتی در متن تعلیمات اسلامی است، یعنی آن دو بُعد، دیگر بیرون از اسلام نیست.» (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۴ ص ۱۴۸ و ۲۵۷) بنابراین از نگرش اسلامی، می‌توان از فضیلت‌گرایی و در پی آن، گرایش به سوی معنویت، به «معنویت همه‌جانبه» تعبیر کرد.

### ۳. تعامل عدالت و معنویت

انسان در دنیای امروز، با توجه به آن که از اصالت و خاستگاه خویش دور شده است و در جستجوی آرامشی فراگیر است، به دام معنویت‌های دروغین و آرامش‌گرهای ناشایست گرفتار شده است و گاه ملغمه‌ای از آموزه‌های دینی و غیردینی را بهانه می‌سازد تا شاید به آرامش رسد. از دیگر سو، ستم و ناحقی، بسیاری از عرصه‌های اجتماعی زندگی بشر را در خود فروبرده و عدالت، گم‌شده‌ای است که همه آن را از مسیرهایی می‌جویند که به سراب می‌انجامد. غالباً دولت‌ها، نظریه‌پردازان و برنامه‌ریزان این دو را جدای از هم می‌جویند، حال آن که تعاملی وثیق و ترابطی انیق میان آن دو برقرار است، معنویت، بدون عدالت و عدالت، بدون معنویت، هر دو بی‌راهه است. چه بسا کسانی که ادعای معنویت می‌کنند، اما در جوهر آن، نشانی از عدالت نیست و نسبت به انبوه بی‌عدالتی‌هایی که در جامعه می‌گذرد، بی‌خیال است، این معنویت، بریده از اجتماع است و خزیدن در گوشه عزلتی که اگر بتواند، نهایت اصلاح آن، یک فرد است. و آن گاه که عدالت و احقاق حقوقی در جامعه باشد، اما بدون لحاظ خداوند، ایمان، عالم غیب و ماوراء، آن عدالت، نهایت می‌تواند در صدی از حقوق را به حق‌داران برساند و جامعه‌ای که بر اساس آن پامی‌گیرد، جامعه‌ای مادی‌اندیش و سودگرا خواهد بود. اما حقیقت آن است که بدون معنویت و آموزه‌های الهی، اصولاً نمی‌توان به گوهر و حقیقت عدالت اجتماعی دست یافت. به بیان شهید مطهری، اگر در جامعه‌ای عدالت اجتماعی برقرار نباشد پایه معنویت هم متزلزل خواهد بود. منطلق اسلام این است که معنویت را با عدالت توأم با یکدیگر می‌باید در جامعه برقرار

<sup>۱۰</sup> «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلاً بَلَا شَهْوَةَ وَ رَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بَلَا عَقْلٍ وَ رَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلَيْتَهُمَا فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتَهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَ شَهْوَتَهُ عَقْلُهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.»

هشتمین کنگره انجمن علمی اسلامی ایرانی شرف؛ انجمن علمی شرف؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دودم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

کرد. در جامعه‌ای که عدالت وجود نداشته باشد، هزاران بیمار روانی به وجود می‌آید. محرومیت‌ها ایجاد عقده‌های روانی می‌کند و عقده‌های روانی تولید انفجار؛ یعنی اگر جامعه به تعبیر علی (علیه السلام) به دو گروه گرسنه گرسنه و سیر سیر تقسیم شود، وضع به همین منوال باقی نمی‌ماند، بلکه صدها تالی فاسد به همراه خواهد آورد. یک گروه گرفتار بیماری‌هایی نظیر تفرعن، خودبزرگ بینی و... می‌شوند و گروه دیگر دچار ناراحتی‌های ناشی از محرومیت. (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱۵ ص ۲۷۵ و مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۷۹).

در اندیشه دینی، بر خلاف اندیشه‌ها و مکاتب مادی، عدالت همراه با معنویت و پرهیزکاری است، آن سان که قدرتمند با وجود تقوا و دانش، مجاز به اعمال حاکمیت است. با آن که انسان در سرشت و فطرتش دوستدار عدالت است، اما گاه به دلیل هواهای نفسانی و وسوسه قدرت و ثروت، ستم می‌کند و از چارچوب فطرت خدایی و عقل سلیم بیرون می‌شود. خداوند در سوره نساء خطاب به باورمندان و مومنان، می‌فرماید تا قسط و عدالت را بر پا کنند حتی اگر به ضرر آنان باشد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ  
وَالْأَقْرَبِينَ<sup>۱</sup> (نساء، ۱۳۵)

و سپس تاکید می‌شود که از هوا و هوس، پیروی نکنند تا عدالت اجرا گردد و به عامل مهم ستم که همانا بی‌تقوایی باشد، اشاره می‌کند:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا<sup>۲</sup> (نساء، ۱۳۵)

و در آیه‌ای دیگر خداوند به پیامبرش امر می‌کند تا او بر اساس آن چه نازل شده است، حکم کند و از خواسته‌های کافران پیروی نکند:

فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ (مائده، ۴۸)

اساسی‌ترین راهکار به‌عنوان پشتوانه اجرای عدالت در جامعه، معنویت اسلامی است. اسلام می‌خواهد روح‌ها با هم یکی شوند تا مردم به حکم بلوغ روحی، عاطفه انسانی و اخوت اسلامی ناشی از معنویت، برای رفع تبعیض‌ها گام بردارند. (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۵۹).

در همین راستا نیز بسیاری از علمای شیعه در مباحث فلسفه اخلاق خود عدالت را توأم با معنویت و بلکه بالاتر از آن، معنویت را از لوازم عدالت دانسته‌اند. مرحوم ملا احمد نراقی در ترابط میان عدالت و معنویت لوازمی چند را برای عدالت حاکمان جامعه بر می‌شمارد:

[حال که] فضیلت صفت خجسته عدالت معلوم شد، بدان که از برای صفت عدالت، آثار و

لوازمی چند است که طالب این صفت را از آنها چاره نیست. و عدالت بدون آنها متحقق نمی‌-

۱۱ ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد.  
۱۲. پس، از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی شرف؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

شود. و ادای دین عدل و رعیت پروری، و قضای حق جهانداری و دادگستری موقوف بر رعایت

آن امور است. (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۴۴۹)

و به طور خلاصه از دیدگاه ایشان برای ایجاد حکومت عادل لوازمی از جمله متوسل بودن حاکمان به ذات پاک ایزد متعال در همه احوالات، سعی بر حفظ احکام شریعت و «در ترویج دین، و اجرای حکم آن اهتمام [داشته و] به حکم «لناس علی دین ملوکهم»، احدی از حکام و عمال هر دیار، و سایر متوطنین بلاد را، مجال انحراف ورزیدن از آن نباشد» (همان، ص ۴۵۱)، بر حاکم است، بازداشتن سایر مردم جامعه و عمال و سپاهیان و کارکنان حکومت از روا داشتن ظلم و ستم، سنجش میزان انصاف کارگزاران حکومت در برخورد با مردم و رعیت، توجه و رسیدگی به امر فقرا و بیچارگان و محتاجان و این که «راه آمد و شد گدایان پریشان را با نهبانان درشت خو، بر خود نبندد». (همان، ص ۴۵۱)

بنابراین میان عدالت و معنویت، تعاملی دو طرفه در جامعه انسانی برقرار است. توجه به معنویت انسان را به حیات حقیقی خویش فرا خوانده و قوه عامله انسانی را به عدالت ورزی فرا می‌خواند و از طرف دیگر رفتار عادلانه خود مصداق عمل معنوی و در راستای تقویت بعد روحی انسانی است، همان‌طور که خداوند در آیه ۱۳۵ سوره نساء، عمل بر طبق عدل را هر چند به ضرر انسان باشد، توصیه می‌کند و در ادامه، این عمل عادلانه را به امری معنوی یعنی سپردن امور به خداوند متعال محول می‌نماید:

و إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا (نساء، ۱۳۵)

#### ۴. خردگرایی همه‌سونگر

برخی خردگرایی را به معنای تبعیت کامل از استدلال صحیح می‌دانند، هنگامی حکمی عقلانی است که همراه با احساسات، عواطف، تعبد یا گزینش‌های خودسرانه و بلا دلیل نباشد (ملکیان، ۱۳۸۰) برخی در قالب تعریف عقل، چهار کارکرد برای آن ذکر کرده اند: ۱. عقل، وسیله نهاده شده در انسان برای تفکر، شعور، اراده، ممارست فهم، ادراک، حکم و داوری است. ۲. عقل، موهبتی برای فهم و زیرکی و متفاوت از احساس است. ۳. عقل مترادف با رشد است، قدرتی بالفعل برای استنتاج و برداشت از نتایج و دلالات صحیح؛ ۴. عقل، درک و داوری صواب و سالم، هماهنگ با منطق است. (غیبی، ۱۹۹۹، ص ۳۶) بنابراین عقل به انسان یاری می‌دهد تا با فهم مسائل گوناگون، به استنتاج و برداشت از دلالت‌های صحیح بپردازد و داوری آن هماهنگ با منطق باشد. در این معنا عقل، قوه‌ای است که در حوزه عمل و نظر فردی، سیاسی-اجتماعی به آدمی شناخت مطابق با واقع می‌بخشد و در حوزه رفتارهای شایسته و شناخت حق از باطل به او یاری می‌دهد و حجیت شرع و نقل نیز از عقل برآمده است، به تعبیر صدر المتألهین «خرد، بنیاد و ریشه نقل است، آسیب‌رساندن به آن، برای تصحیح نقل، به عقل و نقل، هر دو، آسیب می‌زند. (صدر المتألهین، ۱۳۹۱، ص ۳۰۸).

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

خردورزی، مظهر و نماد انسانیت است. انسان با چراغ عقل به ساحت‌هایی نو دست می‌یابد. مراحل پیشرفت جوامع همواره به مدد خردورزی بوده که خداوند آن را در سرشت انسان به ودیعت نهاده است. در فرهنگ اسلامی تاکید شده که خرد، مرکب دانش است، علی (ع) در خطبه اول نهج البلاغه به دو امر کلیدی در آموزه‌های دینی اشاره می‌کند که همانا «پیمان فطرت» و «گنجینه‌های عقل» است. ایشان می‌فرماید: «پس خداوند فرستادگان خود را در میان مردم برانگیخت و پیامبرانش را پی در پی به سوی آنان فرستاد تا پیمان فطرت را از آنان مطالبه کنند و... گنج-های نهفته عقل‌ها را برایشان بیرون کشند و آیات قدرت خدا را به آنان نشان دهند» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، ص ۱۳) در کلامی دیگر ایشان به جنبه عقل عملی اشاره دارد که «برترین مردم از نظرگاه عقلی کسی است که امر معاش خود را اندازه‌گیری کند و در اصلاح معاد خود، کوشاترین باشد». (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۷، ص ۹۷۶) <sup>۱۳</sup>

هنگامی که خردورزی به عرصه اجتماعی-سیاسی، وارد شود و دولت اسلامی تلاش کند تا بر اساس داده‌های آن به قانونگذاری، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری و طراحی الگو بپردازد، می‌تواند با در نظر داشتن راهبردهای عقل جمعی مانند مشورت، مصلحت همگانی، همفکری و مشارکت در فرایندی معقول و حساب شده و به دور از پیشداوری، جزم‌اندیشی و خودشیفتگی به مرحله‌ای دست یابد که الگوی مطلوبی در جهت پیشرفت و تغییر وضعیت ناخوشایند پی-ریزی کند. در این مکتب و نگره، انسان رفتار خود را هوشمندانه تنظیم می‌کند، عقل و شرع به او آگاهی می‌بخشند و یاری می‌دهند تا با بهره‌برداری از منابع بیرونی و گنج‌های ملی، سود برد و روش و الگویی درخور به کار بگیرد.

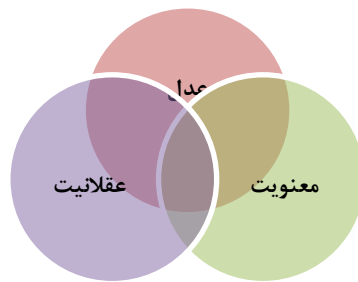
در بیان علی(ع) تعریف عاقل با تعریف عادل، هماهنگ است؛ وقتی که به امام عرض شد: «عاقل را برای ما توصیف کن.» امام(ع) در پاسخ، همان را بیان کرد که در تعریف عدل فرموده بود: «عاقل کسی است که هر چیز را در جای خود می‌نهد.» آن گاه از ایشان، پرسیده شد: «جاهل کیست؟» امام فرمود: «آن را بیان کردم.» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، ص ۱۷۱) <sup>۱۴</sup> با این وصف به تعبیر جوادی آملی، عدل، عین عقل و خرد عملی است. (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۳) هر چیزی را به جای خود نهادن یا هر کاری را به وجه شایسته، انجام دادن، کاری عالمانه، حکیمانه و درست، تلقی می‌شود که با عقلانیت، ارتباطی استوار دارد.

«عدالت، رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق به ذی حق و ظلم، پامال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران است. معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند، همین معنی است. این عدالت متکی بر دو چیز است: یکی حقوق و اولویت‌ها یعنی افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با هم، نوعی اولویت پیدا می‌کنند؛ مثلاً کسی که با کار خود، محصولی تولید می‌کند، طبعا نوعی اولویت نسبت به آن محصول پیدا می‌کند و منشأ این اولویت، کار و فعالیت اوست. یکی دیگر، خصوصیت ذاتی بشر است که طوری آفریده شده که در کارهای خود، اندیشه‌های اعتباری را استخدام می‌کند و با استفاده از

۱۳. علی(ع): «افضل الناس عقلاً احسنهم تقديراً لمعاشه و اشدّهم اهتماماً باصلاح معاده»

۱۴. «قیل له (عليه السلام): صف لنا العاقل، فقال: هو الذي يضع الشيء موضعه. فقيل: فصف لنا الجاهل. فقال: قد فعلت.»





آن‌ها به عنوان «آلت فعل» به مقاصد خود، نائل می‌گردد. آن اندیشه‌ها، یک سلسله اندیشه‌های «نشایی» است که با «بایدها» مشخص می‌شود؛ برای نمونه، تا این که افراد جامعه به سعادت خود برسند باید حقوق و اولویتها رعایت شود و این است مفهوم عدالت که وجدان هر فرد آن را تأیید می‌کند و نقطه مقابلش را که ظلم نامیده می‌شود، محکوم می‌سازد. (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۶۲) بنابراین عدالت، امری است که هم عقل به آن حکم می‌کند و هم عقلایی که بهره‌مند از آن نعمت هستند.

آن سان که عقلانیت در پشتوانه و نرم‌افزار همهٔ مراحل عدالت، معنویت، طراحی الگو و برنامه‌ریزی حضوری تمام‌عیار دارد و باید چنین باشد تا بتواند حرکت عقلانی و سنجیده به سوی آن ارزشها تضمین و بیمه کند. طبیعی است که رسیدن به عدالت اجتماعی و معنویت و اخلاق، بدون سنجیدگی در رفتار و برنامه امکان ندارد. «معنویت که پایه‌های خردروانه نداشته و با عقلانیت در تعارض و حتی در ستیز باشد، معنویت نیست، هم‌چنان که عشقی که ضد عقل نشان داده شود یعنی عشق غیر معقول نیز ره‌آورد معنوی و روحانی نخواهد داشت، بلکه باید توجه داشت که «عقل» ملاک و مبنای ایمان و معنویت و معیار فضیلت و آرامش درونی است». (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۲ ص ۶۴-۶۶) از همین جاست که بدترین جنبدگان نزد خداوند، کسانی معرفی می‌شوند که نمی‌اندیشند:

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (انفال ۲۲)

با عقلانیت در این مسیر، انسان راه خود را بر اساس نشانه‌هایی که خداوند قرار داده است، می‌گشاید، اما از آن جا که با پشتوانهٔ معنویت و عدالت همراه است، عقلانیتی صرفاً مادی و ابزاری نیست که تنها سود شخصی و یا گروهی را طراحی کند و برای دستیابی به آن برنامه ریزد، بلکه عقلی است که در کنار اندیشه‌ورزی برای رسیدن به رفاه و امنیت مادی، تلاش می‌کند تا جامعه را از رفاه و امنیت معنوی نیز برخوردار سازد. با همراهی و سازواری میان آن عرصه‌ها، مسیر به سوی حیات طیبه که برآیند همهٔ مراحل قبل است، گشوده می‌شود. با توجه به این منظر می‌توان گفت که مشخصه الگوی اسلامی پیشرفت، حضور عناصر معنویت اجتماعی، عدالت اجتماعی و عقلانیت در همهٔ ساحت‌های آن بوده و طراحی آن الگو، به منزله ارائه نقشه راه جهت تحصیل حیات طیبه اجتماعی از سه رهگذر فوق می‌باشد. با تعامل عدالت و معنویت و در پرتوی الگوی اسلامی پیشرفت، جامعه و فرد حرکت به سمت حیات طیبه را که همان حرکت به سوی زندگی شایسته و مطلوب قرآنی است آغاز نموده و خداوند «مؤمنی که عمل صالح انجام

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دومی و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

می دهد به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می کند». (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲ ص ۴۹۲)،  
پویش در سراسر این راه، با حضور عقلانیت و التزام به داده‌های آن است.  
در عرصه سیاسی، عاقل برای رسیدن به برنامه‌های عادلانه، به تعبیر امام علی علیه السلام رای و دیدگاه خردورزان و  
دانش دانشوران را به نظر خود می‌افزاید، ایشان می‌فرماید:

حَقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضِيفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ وَيَضْمَمَ إِلَى عِلْمِهِ عِلْمَ الْعُلَمَاءِ (الليثي)

الواسطی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۳۲)

شایسته است هر عاقلی نظر دیگران را به دیدگاه خود اضافه کند و علوم دانشمندان و کارشناسان را به علمش بیفزاید.  
لذا عاقل با توجه به طلب راهنمایی از دیگران و ترک خودرأیی، مسیر جامعه را با عقل خویش به سوی عدالت  
سیاسی می‌گشاید:

حَقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَسْتَدِيمَ الْإِسْتِشَادَ وَيَتْرَكَ الْإِسْتِبدَاءَ (تمیمی، ۱۴۲۹، ص ۵۵)

سزاوار است بر خردمندی که همواره از دیگران رشد و راهنمایی خواهد و خودکامگی و خودسری را ترک کند.  
در این فراگرد، هم‌افزایی عقلی رخ می‌دهد و علاوه بر حضور عقل جمعی در معادلات اجتماعی، زمینه برای برنامه-  
ریزی‌های دقیق و سنجیده فراهم می‌شود تا جامعه به سوی عدالت و عدالت‌ورزی حرکت کند.

مقام معظم رهبری، در تبیین ماهیت پیشرفت انقلاب اسلامی و ابعاد همه جانبه مکتب امام خمینی (ره) عقیده دارند  
که هر سه بُعد عقلانیت، عدالت و معنویت باید در کنار هم دیده شوند.<sup>۱۵</sup> به عقیده ایشان «دو بُعد اصلی در مکتب  
امام بزرگوار بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. امام صرفاً با تکیه بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمی-  
گرفت؛ اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک معنوی، توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود و به کمک الهی باور داشت ... و در  
بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است. بُعد سوم هم  
وجود دارد، که آن هم مانند معنویت و عقلانیت، از اسلام گرفته شده است... و آن، بُعد عدالت است.»<sup>۱۶</sup> به عقیده  
ایشان توأمان این سه بُعد «از متن قرآن و متن دین گرفته شده است و تکیه بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجه به  
ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا می‌کشاند و به انحراف می‌برد. از جمله تجلیات بُعد عقلانیت، گزینش مردم‌سالاری  
برای نظام سیاسی کشور و تکیه به آراء مردم و همچنین سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله‌ی با دشمن مهاجم،  
تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکائی در ملت و ترغیب به پیشرفت دورن‌زا بود.<sup>۱۷</sup> از منظر مقام معظم رهبری بُعد  
معنوی امام نیز مورد توجه است: مظهر معنویت در امام بزرگوار، در درجه اول، اخلاص خود او بود. امام کار را برای  
خدا انجام داد. از اول، هر چه که احساس می‌کرد تکلیف الهی اوست، آن را انجام می‌داد. بخش مهمی از معنویت در

۱۵ بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۰/۳/۱۴

۱۶ همان

۱۷ همان

هشتمین کنگره‌های الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی شرف؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اسلام عبارت است از اخلاق، دوری از گناه، دوری از تهمت، دوری از سوءظن، دوری از غیبت، دوری از بددلی، دوری از جداسازی دلها از یکدیگر. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۰/۰۳/۱۴) بُعد عدالت هم در مکتب امام برجسته است. اگرچه به یک معنا عدالت از همان عقلانیت و معنویت برمی‌خیزد، اما بُعد عدالت در اندیشه ایشان، قابل توجه بیشتر است، برای نمونه امام خمینی در تفسیر آیه ربا به یکی از احکام الهی و تاثیر آن در ایجاد عدالت، اشاره می‌کند، وی می‌نویسد که آیه شریفه می‌گوید اگر توبه کنید، سرمایه مال از خودتان است، نه ستم کنید و نه زیر بار ستم بروید؛ این امر دلالت دارد بر این که گرفتن زیاده از سرمایه در نظر شارع مقدس ستم است و همین ظلم، حکمت تحریم ربا است، اگر نگوییم که علت آن است و روشن است که ظلم با تغییر عنوان از میان نمی‌رود، سپس ایشان به علت حرمت ربا اشاره می‌کند که ربا مردم را از تجارت و کارهای خیر منصرف می‌سازد و در روایات آمده است که علت حرام بودن ربا، فساد و ستمی است که در آن قرار گرفته است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۶۰) لذا تلاش وی برای ایجاد دولت اسلامی، برای رفع فقر، توجه به قشر مستضعف جامعه و برقراری کفاف در زندگی معیشتی و احقاق حقوق شهروندان در همه عرصه‌ها بود که از ابتدا در زمره اهداف بلند مدت انقلاب اسلامی ترسیم شده است.

#### ۵. حیات طیبه، بزرگترین دستاورد تعامل عدالت و معنویت:

معنویت با اندیشه ایمان به غیب و اعتقاد به خدا، با انگیزه قرب به حق تعالی و تخلق به اخلاق الهی معنا دار می‌شود، باوری که انسان را به سوی زندگی و شادابی رهبری می‌کند. خداوند دستورهای خود و پیامبرش را زنده‌کننده معرفی می‌کند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال، ۲۴)

مرحوم علامه «لام» در «لما يحييكم» به معنای «الی» می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۹ ص ۴۵) هشدار به آن که انسان با اجابت فرمان الهی، به سوی هدایت رفته و مسیر حیات می‌یابد، گویی خداوند با دستورهای خویش نشانه‌هایی در طول راه انسان قرار داده تا مسیر را گم نکند. پیروی و پذیرش فرمان خداوند، جهت‌دهنده است. لذا ایشان در ادامه تاکید دارد که آیه بر همه وجوهی که مفسرین برای دعوت خداوند و چپستی آن، ذکر کرده‌اند، قابل انطباق است، حال دعوت به ایمان باشد یا حق یا قرآن، علم دین یا بهشت؛ آیه فوق توان و بار آن را دارد و دلیلی بر انصراف به معنایی خاص وجود ندارد. (طباطبائی، همان، ص ۴۶) بدین سان قرآن کریم معیشت پاکیزه تر را برای کسانی که ایمان به خدا و عمل صالح را سر لوحه کار خویش قرار دهند، وعده داده است.<sup>۱۸</sup> حیات و معیشت پاکیزه‌تر از این جهت مورد غبطه است «که مایه خوشی زندگی است و وقتی مایه خوشی و سعادت است که قلب با آن سکون و آرامش یابد و از اضطراب خلاص شود، و چنین آرامشی برای احدی دست نمی‌دهد مگر آن که به خدا ایمان داشته باشد و عمل صالح کند، پس تنها خداست که مایه اطمینان خاطر و خوشی زندگی است.» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱ ص ۴۸۸)

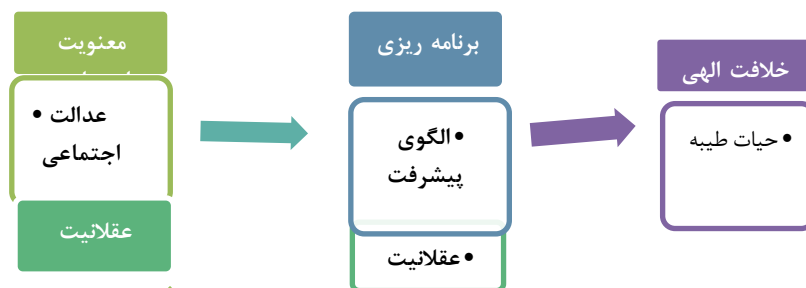
۱۸ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا يُبَدَّلُونَ

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

آن چنان که زندگی برآمده از دستورهای خداوند، زندگی معنوی است و به صراحت بیان می‌شود که آن عمل صالح، انسان را به سوی حیات طیبه هدایت می‌کند:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً (نحل، ۹۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید. حیات طیبه تنها شامل زندگی فردی و معنوی نمی‌شود، بلکه در کنار زندگی فردی، او به زندگی سیاسی-اجتماعی طیب می‌رسد، امری که شامل بنیادی‌ترین ارزش‌های اسلامی می‌گردد و ارزش‌هایی متعدد مانند سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با دیگران، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه در همه عرصه‌های زندگی، انضباط اجتماعی، عدالت همه‌جانبه، مسئولیت‌پذیری، نیل به کفاف و راستی را شامل می‌شود. آن سان که انسان در این الگو، حق دارد تا به حقوقی مانند «حق حیات معقول، زیست معنوی و اخلاقی، دینداری، آزادی توأم با مسئولیت، تعیین سرنوشت و برخورداری از دادرسی عادلانه» دست یابد. لذا در این نگرش، قرآن کریم، زنده حقیقی را مومنی معرفی می‌کند که در میان مردم است و بریده از جامعه خویش نیست. خداوند می‌فرماید: «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام، ۱۲۲) آیا کسی که مرده [دل] بود و زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود، چون کسی است که گرفتار در تاریکی‌هاست و از آن بیرون-آمدنی نیست؟ این‌گونه برای کافران آنچه انجام می‌دادند، زینت داده شده است». و این ممکن نیست مگر با همراهی معنویت و عدالت. این دو آن گاه که به ساحت اجتماعی وارد می‌شوند، به معنی واقعی کلمه، انسان به زندگی پاک قرآنی می‌رسد و ارزش‌ها، بینش‌ها و منش‌های متعالی فردی به زندگی سیاسی-اجتماعی ریزش کند. از این رو حیات طیبه نه تنها مربوط به



حیات فردی و حتی اجتماعی می‌شود، بلکه بنابر نظر علامه طباطبائی، بالاتر از آن، شامل حیات نوع بشریت می‌شود. از نظر ایشان «معارف حق و اخلاق پسندیده و اعمال صالح که مؤمن حیات طیبه خود را به وسیله آنها تأمین می‌کند» از فروع کلمه حق الهی بوده و «عالم بشریت و انسانیت، با آنها رونق و عمارت واقعی خود را می‌یابد». (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲ ص ۷۳) از این بزنگاه مهم است که معنویت و عدالت اجتماعی معنادار می‌شود و هر دو می‌توانند طراحان و برنامه‌ریزان را برای رسیدن به زندگی برتر اسلامی راهبری کنند. اما این راهبری نیاز به قوه عقل و

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

توان عقلانیت دارد. پس با یاری آن، می‌توان آهسته به آهسته، به سوی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، گام برداشت و با داشتن اسوه‌ای سنجیده، به سوی برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری حرکت کرد.

### نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با توجه به آن چه که گفته شد، می‌توان گفت که همراهی عدالت و معنویت، از یک سو و استواری و پایداری آنها در جامعه با عقلانیت، حکایت از پیشرفتی متفاوت و همه‌سو نگرانه دارد و این امتیازی بزرگ برای اندیشه اسلامی است. سندی که بر این پایه طراحی گردد، سندی تک‌ساحتی نبوده بلکه با توجه به ساحت‌های چندگانه مورد بحث و با بهره از عقلانیت، می‌توان در فرایندی معقول و سنجیده به دور از شعار و احساسات، سندی عملیاتی طراحی کرد و افقی را پیش روی صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان، بگذارد که در کنار آرامش مادی و رفاه و امنیت، عدالت، سعادت معنوی و فردی و اجتماعی را تامین کند و جامعه را به حیات طیبه برساند. افاضه حیات به جامعه، زیست و تجربه جدیدی است غیر از آن حیاتی که به دیگران داده شده است و مقصود از حیات طیبه هم این نیست که حیثیتش را تغییر می‌دهد یا صفت خاصی از حیات او را تغییر دهد، بلکه معارف قرآنی ما را به این نکته می‌رساند که جامعه حقیقتاً به حیاتی طیب زنده می‌شود و خدای تعالی حیاتی ابتدایی و جداگانه و جدید به او افاضه می‌فرماید. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲ ص ۴۹۲).

جامعه دارای حیات طیبه «علم و ادراکی دارد که دیگران ندارند همچنین از موهبت قدرت بر احیای حق و ابطال باطل سهمی دارد که دیگران ندارند و این علم و این قدرت جدید و تازه، مؤمن، را آماده می‌سازند تا اشیاء را بر پایه آنچه که هستند ببینند» و احقاق حق و ابطال باطل که همان حقیقت عدالت اجتماعی است در جامعه جاری گشته و جامعه با ایمان، «به عزت خدا اعتزاز می‌جوید». (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲ ص ۴۹۳).

دست‌آورد دیگر این تلقی در سند الگو آن است که وفاداری به ترابط میان معنویت و عدالت و لوازم آن، همخوانی مطلوبی با الگوی پیشرفت خواهد داشت، بلکه افق نگاه به الگو را از یک الگوی مکانیکی صرف و ناظر به مفاهیمی چون ستانده کل، رفاه و توسعه سیاسی - اقتصادی به الگویی که نقطه ثقل آن انسان و جامعه است رهنمون می‌سازد. الگویی که با آن، افراد به حقوق بایسته شرعی و عقلی خویش می‌رسند و علاوه بر رسیدن به تمتعات مادی و معاش مطلوب، از تکاملی والاتر از حیات مادی برخوردار شده و حیات جدیدی می‌یابند. «این حیات جدید و اختصاصی، جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترکند نیست، در عین این که غیر آن است با همان حیات است، تنها اختلاف [موجود با حیات عادی بشر] به مراتب [آن] است نه به عدد، پس کسی که دارای آن چنان زندگی است دو جور زندگی ندارد، بلکه زندگیش قوی‌تر و روشن‌تر و واجد آثار بیشتر است. (طباطبائی، همان) در این الگو شهروندان از حقوق، آزادی‌ها، فرصت‌های مساوی، کرامت نفس، منزلت و امنیت اجتماعی برخوردار می‌شوند و عقلانیت در تمام مسیر، همراه انسان بوده و تهیه این امر به مدد قوه عاقله جمعی و الگو پرداز انجام خواهد پذیرفت.

## فهرست منابع

- ۱) قرآن کریم
- ۲) اصفهانی، فیض الاسلام. (۱۳۶۵). نهج البلاغه. تهران: سپهر
- ۳) امام خمینی. (۱۳۷۸). صحیفه امام. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۴) آندره گوندر، فرانک. (۱۳۵۹) جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی جامعه شناسی. ترجمه: منوچهر نساجیان، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی شریف.
- ۵) پاشایی، عباس. (۱۳۶۹). فرهنگ اندیشه نو. تهران: مازیار.
- ۶) تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۴۲۹ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی
- ۷) جعفری، محمد تقی. (۱۳۶۹). حکمت اصول سیاسی اسلام. تهران: بنیاد نهج البلاغه
- ۸) جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۶). تفسیر موضوعی قرآن، صورت و سیرت انسان در قرآن. قم: اسراء
- ۹) جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳). ادب فنای مقربان. قم: مرکز نشر اسراء
- ۱۰) جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵). فلسفه دین. فلسفه حقوق بشر. قم: مرکز نشر اسراء
- ۱۱) شیرازی، صدر الدین محمد. (۱۳۹۱ق). شرح اصول الکافی. تهران: مکتبه المحمودی
- ۱۲) شیخ الاسلامی، سید حسین. (۱۳۷۷). گفتار امیر المؤمنین علی (ع)، غرر الحکم. قم: انتشارات انصاریان
- ۱۳) صدوق، محمد بن بابویه، (۱۳۷۶). امالی شیخ صدوق. تهران: انتشارات کتابچی
- ۱۴) طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی
- ۱۵) طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۳). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌ی‌العلمی للمطبوعات
- ۱۶) طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۸۷). رسالت تشیع در دنیای امروز (گفت و گویی دیگر با هانری کربن) قم: بوستان کتاب.
- ۱۷) علی بن محمد اللیثی الواسطی. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. التحقیق: حسین الحسنی البیرجندی؛ تهران: الناشر: دار الحدیث المطبعة الأولى.
- ۱۸) غیبیه، حیدر. (۱۹۹۹). هکذا تکلم العقل، (المفهوم العقلانی للدين). بیروت: دار الطبعه
- ۱۹) فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: موسسه دارالهجره.
- ۲۰) مجلسی، محمدباقر. (۱۴۲۱). بحار الانوار. بیروت: دارالتعارف.
- ۲۱) مصطفوی، سیدحسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۲) مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
- ۲۳) مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). یادداشت‌های استاد مطهری. تهران: نشر صدرا
- ۲۴) مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا
- ۲۵) مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰). عدال الهی. قم: انتشارات صدرا
- ۲۶) ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۰). سیری در سپهر جان. تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۲۷) ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۰). عقلانیت. نقد و نظر، شماره: ۲۶-۲۵: ۲۴۳-۲۵۷
- ۲۸) موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۳۸۴). کتاب البیع. قم: مطبعه مهر.
- ۲۹) واعظی، احمد. (۱۳۸۸). نقد و بررسی نظریه‌های عدالت. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).